



# نقض حق آبه ایران در هیرمند توسط افغانستان در پر تو نظام حقوقی رودخانه‌های بین‌المللی با تاکید بر حق مکتسبه

سیده لطیفه حسینی<sup>۱</sup>  
محمد مهدی حسینمردی<sup>۲\*</sup>  
حبیب اسدی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

## چکیده

حقوق بین‌الملل نسبت به حل مسالمت‌آمیز استفاده مشترک از آبراه‌های بین‌المللی با مصارف غیر کشتیرانی که از مهم‌ترین دغدغه‌های مناطق خشک اقلیم هستند، تاکید داشته به این دلیل که دولت‌های ذینفع از این منابع آبی مشترک به سهم واقعی خود دست یابند. رودمرزی هیرمند یکی از این موارد است که بخش قابل توجهی از سرحدات دولت ایران و افغانستان را تشکیل می‌دهد. با توجه به نحوه شکل‌گیری تاریخی مرزهای شرقی ایران بستر طبیعی خشک رود در قلمرو منطقه سیستان واقع شده که به لحاظ اکولوژیک درتداوم حیات زیست محیطی دریاچه‌های چهارگانه هامون نقش اساسی ایفاء می‌نمود و امرار معاش مردم بومی منطقه به جریان مداوم آب هیرمند بستگی داشت تا آنجا که دو دولت معاهدات ۱۳۱۸ و ۱۳۵۲ را منعقد کردند و علی‌رغم تعهدات طرف افغانستانی به عنوان دولت بالا دست رود، بارها با قطع جریان آب و انحراف مسیر آبراه بداخل خاک خود لطمات چشمگیری را برای دولت پایین دست (ایران) به وجود آورده که این خود بر خلاف اصل حسن نیت مطابق موازین حقوق بین‌الملل معاصر و حق مکتسب می‌باشد. نوشتار حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به معاهدات موجود مشخص کرده که دولت افغانستان با نادیده گرفتن تعهدات یک کشور بالادست خشکسالی رابه قلمرو تحت حاکمیت ایران تحمیل نموده است و حق مکتسب ایران در رود هیرمند را نقض کرده است.

**واژگان کلیدی:** اصل استفاده منصفانه، افغانستان، ایران، رودخانه هیرمند، حق مکتسب.

<sup>۱</sup> استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. l.hosseini@alzahra.ac.ir

<sup>۲</sup> استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول):

phd\_mardi@pnu.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران. asadi.habib@yahoo.com

## مقدمه

آب به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع حیاتی همواره منشاء منازعات بوده است. در منطقه خاورمیانه عموماً مناطقی وجود دارند که به دلیل شرایط اقلیمی خشک، با مساله رودخانه‌های فصلی روبرو هستند. نظام حقوقی آبراه‌ها در منطقه فوق در قیاس با نظام حقوقی رودها در اروپا و نوع اقلیم متفاوت است. این بحران تا آنجا اهمیت یافته که به یکی از موضوعات مهم مطالعه تبدیل شده است. اگر دولت‌ها رویکردی در خصوص به‌کارگیری تمهیدات مسالمت‌آمیز از طریق سازوکارها و مساعی دیپلماتیک از خود نشان ندهند منازعات آینده بین‌دولت‌ها بر سر آب خواهد بود. کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۸۴ به تدوین اصولی در ارتباط با حقوق و تعهدات دولت‌ها در بهره‌گیری مدیریت آبراه‌ها همت گماشت کمیسیون تفاوت‌های اصلی در مورد رود یا آبراه بین‌المللی با رودهای داخلی قائل شده است، رودهایی که در مناطق همجوار یا مرزی بین‌دو دولت واقع شده‌اند و رودهای پیاپی که از قلمرو چند دولت می‌گذرند. کمیسیون حقوق بین‌الملل، با استفاده از واژه مصطلح آبراه بین‌المللی آن را آبراهی می‌داند که قسمت‌هایی از آن در قلمرو چند کشور واقع شده باشد. رودخانه هیرمند پس از طی مسیری به طول ۱۲۰۰ کیلومتر و با عبور از ولایات قندهار و نیمروز افغانستان به قلمرو دولت ایران می‌رسد. منابع آبی هیرمند تأثیرات مهمی بر منافع اقتصادی، اکولوژیک و زیست محیطی منطقه سیستان داشته و همواره میان دو دولت ایران و افغانستان با وجود انعقاد معاهده سال ۱۳۵۱ ه. ش، نزدیک به ۱۵۰ سال عامل تنش‌های مرزی و در نهایت بروز اختلافات حقوقی میان آن‌ها بوده است.

ایران به‌عنوان دولت پایین دست مسیر رود بر اساس حق مکتسب خود به موجب توافق‌نامه‌های موجود خواستار آن است که افغانستان بر مبنای تعهدات بین‌المللی و حسن همجواری عمل کند. حال آن‌که عدم تحویل حق آبه ایران از سوی دولت افغانستان و نیز قطع کامل آب رودخانه هیرمند در قلمرو استان سیستان و بلوچستان توانسته تا دوره‌هایی از خشکسالی‌های بلندمدت را به نواحی جنوب شرق ایران تحمیل نماید و ناقض حق مکتسب ایران در استفاده مناسب ایران از رودخانه هیرمند باشد.

نوشتار حاضر با استناد به معاهدات موجود به بررسی مقررات حقوقی رودخانه هیرمند در بهره‌برداری مشترک فی‌مابین ایران و افغانستان پرداخته و با محور قرار دادن معاهدات بین‌الملل به این مساله پرداخته است. رویکرد چند دهه گذشته دولت افغانستان برخلاف تعهدات یک کشور

<sup>1</sup> International water course

بالادست و منافع ایران از حق آبه هیرمند، با توجه به معاهدات ۱۳۱۸ و ۱۳۵۱ به گونه‌ای بوده که در دوره‌های مختلف زمانی موجبات انحراف مسیر طبیعی رود و تحمیل خشکسالی را در منطقه سیستان و از جمله دریاچه‌های هامون به وجود آورده است و یا این که رویه مدیریت آبخیزداری افغان‌ها در طی این سال‌ها بدین صورت بوده که در مواقع طغیان رودخانه به‌ویژه در موسم بارندگی‌های سیلابی، اقدام به گشایش سدهای انحرافی و رهاسازی آب رود نموده و دربرهه خشکسالی نیز بر عکس با قطع جریان آب و انحراف طبیعی هیرمند موانع آب رسانی عمدی را ایجاد کرده که در نتیجه این کم‌آبی‌ها خسارت‌های زیادی را متوجه کشاورزان و محیط زیست سرزمین ایران وارد نموده‌اند. این در حالی است که بر اساس بند یک از ماده ۱۷ کنوانسیون هلسینکی، کشورها در بهره‌برداری از آبراه سرزمین خود باید تمام اقدامات مقتضی را به عمل آورده تا از خسارات عمدی به سایر کشورهای کرانه آبراه ممانعت نمایند و به موضوعات جدیدی در ارتباط با بهره‌برداری دو دولت از رودخانه مرزی هیرمند پرداخته شود. جدای از آن دولت افغانستان در چارچوب سند ملی خود تحت عنوان چارچوب کلی سیاست آب‌های فرامرزی مصوب سال ۱۳۹۵ بدان تاکید نموده است. (سالنگی، ۱۳۹۹: ۹۵) مهم‌ترین سوالی که مطرح می‌شود این است که چگونه اقدام دولت افغانستان در انحراف مسیر رودخانه هیرمند بر اساس اصل بهره‌برداری مشترک، نقض حق آبه ایران را منجر شده و در چارچوب رژیم حقوقی رودخانه‌های بین‌المللی چگونه دولت بالا دست در برابر دولت پایین دست از مسئولیت برخوردار است؟ با این فرض که انحراف آب رودخانه مرزی هیرمند توسط افغانستان ناشی از عدم رعایت اصل تقسیم بالمناصفه با دولت پایین دست یعنی ایران بوده است. ویژگی خاص مطالعات حقوقی به‌ویژه در زمینه مطالعات تئوری حقوقی و انتقادی، موجب می‌شود تا مناسب‌ترین روش در مطالعات حقوقی روش تحلیلی، توصیفی باشد در این مقاله نیز از همین روش استفاده شده است. فن تحقیق یا روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای (اعم از اسناد و کتب) است به این معنا که اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از کتب، مقالات و اسناد موجود در کتابخانه‌ها و سایت‌های معتبر گردآوری شده و سپس اطلاعات به روش توصیفی - تحلیلی پردازش و تحلیل گردیده است. به این ترتیب این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی با مطالعه و تدقیق در حقوق موضوعه بین‌الملل و فی مابین ایران و افغانستان از جمله معاهده منعقد میان دو دولت در خصوص آبراه هیرمند به نگارش در خواهد آمد. بنابراین بررسی اسناد و منابع موجود به منظور تفسیر عقلانی وضعیت موجود سرلوحه کار قرار خواهد گرفت اما از آنجا که زمان و مکان در شکل‌گیری و قلمرو مفهومی هر قاعده حقوقی تاثیرگذار است و بدون توجه به این دو عنصر، پویایی نظام حقوقی معنای واقعی خود را از

دست خواهد داد در بستر تحولات جامعه، واقعیات جامعه از نظر دور نمانده است. تحقیقات مستقلی در این مورد طی سال‌های اخیر انجام شده یکی از آن‌ها مقاله‌ای است که به زبان انگلیسی نگارندگان آن را تحت عنوان: تنش ۱۵۰ ساله هیدروپلیتیک ایران و افغانستان بر سر هیلمند یا هیرمند نام گذاری کرده اند. (Nagheebby And Warner, 2022) اثر مورد اشاره ضمن بررسی تاریخی موضوع، پرداختن به معاهده تعیین حق آبه طرف ایرانی در سال ۱۹۷۳/۱۳۵۱ را از مسیر رودخانه مرزی هیرمند بخشی از تمرکز موضوعی بحث قرار داده و با چنین استدلالی، اقدامات داخلی دولت افغانستان اثرگذاری مستقیمی بر نقض تعهدات معاهده‌ای آن در برابر دولت پایین دست یعنی ایران داشته که این خود رویه‌ای برخلاف اصول دیپلماسی و موازین حقوق بین‌الملل رودخانه‌های مرزی است.

علی‌رغم طرح چنین مباحثی در مقاله بالا، اصل منافع بهره‌برداری مشترک و اصل وفای به عهد، حق مکتسبه و نیز تبیین موضوعی آن‌ها، آن گونه که در چارچوب موازین حقوق بین‌الملل و فقه اسلامی نوشتار حاضر بدان پرداخته شده، مورد اشاره قرار نگرفته است. همچنین می‌توان به مقاله‌ای که به زبان فارسی موجود است، اشاره کرد. تحقیق مورد اشاره تحت عنوان ابعاد حقوقی بهره‌برداری از هیرمند (اکبری و دیگران، ۱۳۹۹) در کنار تعهدات معاهده‌ای دولت بالا دست رودخانه هیرمند (افغانستان) به تکالیف عرفی در مقابل روان‌سازی آب رودخانه جهت بهره‌برداری دولت پایین دست (ایران) نیز اشاره می‌نماید. استفاده بالمناصفه یکی از آن‌ها است که عدم توجه و عدم اجرای آن می‌تواند تاثیر پذیری‌های آسیب‌زای محیط زیستی را در مناطق طبیعی پایین دست این آبراه مرزی نظیر: خشکیده شدن تالاب تاریخی هامون در پی داشته باشد و از تقویت همکاری‌های بین‌دو دولت همسایه جلوگیری به عمل آورد. سیر بررسی مقاله مورد اشاره به زوایای دیگر حقوقی بودن از منظر همکاری مشترک به‌ویژه در حوزه تعهدات دولت‌ها یعنی پای‌بندی به اصل وفای به عهد و این که دولت افغانستان متعهد به به ایفای آن بوده ختم نشده است در حالی که دولت‌ها بنا به دیدگاه حاکم بر تحقیق پیش رو، در راستای واقعی‌سازی اهداف منبع حقوق بین‌الملل به دنبال گسترش و تحکیم روابط مسالمت‌آمیز دوجانبه و چند جانبه با یکدیگر بوده و در صورت ایراد خسارات به یکدیگر در قبال آن مسئولیت خواهند داشت.

در مقاله حاضر ضمن پرداختن به رژیم‌های حقوقی و دکترین‌های بین‌المللی به‌ویژه در زمینه مصارف غیر کشتیرانی، تفسیر معاهدات فی‌مابین دو کشور نیز مطمع نظر خواهد بود و به این ترتیب بعد نظری و اجرایی توأمان مورد توجه خواهد بود و در تبیین مساله نظام حقوقی موجود از یک طرف و واقعیات ناشی از تحولات جامعه بین‌المللی از طرف دیگر، مورد توجه قرار خواهد گرفت.

## ۱. تبیین واقعیت موجود در آبراه هیرمند در چارچوب رژیم بهره برداری رودخانه‌های

### مرزی

مطابق اسناد بین‌المللی دربخش کاربری‌های غیر کشتیرانی آبراه‌های بین‌المللی به‌ویژه کنوانسیون مصوب سال ۱۹۹۷ مجمع عمومی ملل متحد<sup>۱</sup> و نیز مقررات هلسینکی در بهره‌برداری‌ها از آب‌های رودخانه‌های بین‌المللی اوت سال ۱۹۶۶<sup>۲</sup> و نیز سند قواعد آب برلین سال ۲۰۰۴ انجمن حقوق بین‌الملل، اقدام افغانستان طی چند دهه گذشته ناقض اصل بهره‌برداری مشترک دولت‌ها از منابع آبی می‌باشد. حقوق دانان بین‌المللی، در این رابطه اعمال حاکمیت مطلق از سوی دولت‌های بالادست آبراه‌های بین‌المللی را با مصارف غیرکشتیرانی رد کرده و به موجب آن دولت‌های بالادست را از تغییر مسیر طبیعی رودها که به ضرر موقعیت طبیعی سرزمین‌های دولت‌های پایین دست تمام شود، منع داشته است و توصیه نموده که دولت‌ها از طریق انعقاد معاهدات فی مابین خود اصول مذکور را در عمل بپذیرند با توجه به تاریخچه اختلافات افغانستان و ایران در خصوص وضعیت بهره‌برداری مشترک از رودخانه مرزی هیرمند، و وجود اسناد و معاهدات، این اختلافات به‌قوت خود باقی است و علی‌رغم تعهدات افغانستان نسبت به دولت پایین دست (ایران) براساس معاهده سال ۱۳۵۲، قرائن نشان می‌دهد که دولت اولی در پاره‌ای از موارد نیز و طی سه دوره تحولات از ابتدای قرن بیست و یک در این کشور علاقه به حل مشکل با ایران با استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی در ایفای تعهدات معاهده‌ای خود در برابر ایران گام‌های واپس‌گرایانه برداشته تا آنجا که رویه سیاستگذاری‌های حاکمان این کشور طی دو دوره زمامداری گروه طالبان و نیز دوران ریاست جمهوری حامد کرزی و اشرف غنی در این خصوص همکاری لازم را نداشته و با اجرای پروژه‌های آب‌خیزداری ملی و یک‌جانبه اقدام به انحراف مسیر طبیعی رود از طریق آب‌بندهای متعدد و ساخت سد کجکی نموده‌اند و در یک بیان کلی نه تنها این قبیل اقدامات نقض حق‌آبه ایران را از هیرمند مستند به مفاد معاهده ۱۳۵۱ بوجود آورده بلکه از آثار سوء چنین سیاست‌هایی نقض کنوانسیون‌های هلسینکی و اسناد حقوق بین‌الملل محیط زیست و از دست رفتن تالاب تاریخی هامون در سرزمین ایران و رنج غیر ضرور شهروندان سیستانی بوده تا جایی که گاهی در سیاست‌های

<sup>1</sup> Convention on the Law of the Non-navigational Uses of International Watercourses, General Assembly resolution:1997.

<sup>2</sup> International Law Association The Helsinki Rules on the Uses of the Waters of International Rivers Helsinki:1966

اعلامی خود مطابق اصل حاکمیت بر منابع طبیعی خود بر ادعاهای مالکیت یک‌جانبه بر آب‌های رودخانه‌های مرزی تأکید داشته است حال آن‌که براساس موازین حقوق بین‌المللی آبراه‌های مشترک، رودخانه‌های مرزی تحت تسلط و اختیار کامل هیچ‌یک از دولت‌های ساحلی نیست. طرفین در این خصوص مناسب است تا بر اساس اصول و موازین حقوق بین‌الملل با دستیابی به توافقی مشترک برای توسعه همکاری‌ها درحوزه اداره و تقسیم منصفانه منابع آبی اهتمام نمایند. استفاده از منابع رودخانه‌ها یا آبراه‌های مشترک میان دولت‌ها مستلزم توافق برای ایجاد نظام‌های حقوقی است. به این شکل که با کنار گذاشتن یک نظام، زمینه توافق دولت‌ها برای انتفاع از حقوق خویش فراهم می‌شود. چنین رویه‌ای نقش ارزنده‌ای در به قابلیت درآوردن معاهدات مدیریت بهره‌برداری مشترک از رودهای مرزی را بوجود آورد. براساس این رژیم هر موردی که با ضوابط و ویژگی‌های موجود مطابقت می‌نمود رود بین‌المللی نامیده می‌شد و شامل مقررات و استانداردهایی شده که دولت‌ها در انعقاد به آن مبادرت می‌ورزند. (نادری، سادات میدانی ۱۳۹۹: ۱۰۷۵) مدیریت بهره‌برداری از آبراه‌ها تجلی گاه اعمال حق حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود در جامعه بین‌المللی بوده اما مشکل اینجاست که هر آبراه ویژگی‌های هیدروپلتیکی و شرایط اقلیمی مخصوص به خود را دارد. (Ettehad, 2010: 11) به این ترتیب از سال ۱۹۷۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در صدد سازگاری حقوق حاکمه دولت‌ها با ابعاد بهره‌برداری از آب‌های سرزمینی برآمد با این ملاحظه که دولت‌ها تعهد به خودداری از اقداماتی که به ضرر دولت دیگر باشد، دارند. (E.A, 2015: 133) این درحالی است که نهادها و ارکان اصلی ملل متحد طی سالهای ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۹<sup>۱</sup> مثل: کمیسیون حقوق بین‌الملل و کمیته ششم موضوع بررسی وضعیت رژیم‌های حقوقی بهره‌برداری آبراه‌ها و تعهدات دولت‌ها را مورد توجه قرار داده و در اسناد بین‌المللی نظیر: قطعنامه حقوق بهره‌برداری از سفره‌های آبی فرامرزی سال ۲۰۱۶ و گزارش سال ۲۰۲۲ کمیسیون حقوق بین‌الملل تحت عنوان پیشگیری از نحوه نامطلوب از منابع آبی بین‌المللی که منجر به آسیب رسانی به محیط زیست کشورهای اطراف می‌شود، پیشگیری از اقدامات آسیب‌زا مورد تأکید است. (حاتمی، بابایی، ۱۳۹۲: ۱۱)

<sup>1</sup> United Nations General Assembly, Report of the International Law Commission on the work of its seventieth session (2018) A/CN.4/724.

<sup>2</sup> UN General Assembly (2016), Resolution A/RES/71/150, the Law of Transboundary Aquifers.

<sup>3</sup> United Nations, Report of the International Law Commission, 18 April–3 June and 4 July–5 August 2022. A/77/10

### ۱-۱. ماهیت رودخانه هیرمند در چشم انداز حقوقی

رودهای ملی رودهایی هستند که حوزه آبی آن‌ها اعم از سرچشمه و مسیر در خاک یک کشور و در موقعیت‌های بین‌استانی و ایالتی واقع‌اند و جزیی از قلمرو زیست و بوم داخلی آن دولت محسوب و در حوزه اعمال حاکمیت داخلی آنها قراردارند. رای داوری سال ۱۹۳۱ میان دو ایالت لوئیزیانا و می سی سی پی<sup>۱</sup> در آمریکا می‌تواند نمونه مثالی روشنی باشد. (Grant and Barker, 2009: 5)

چنین موردی از آنجاکه بستر طبیعی رود هیرمند در میان مناطق سرزمینی دو دولت ایران و افغانستان جاری بوده از شمول روهای ملی خارج است. این درحالی است که رودهای بین‌المللی آبراههایی هستند که مسیر آن‌ها از قلمرو سرزمینی دو یا چند کشور عبور و یا آن‌ها را از یکدیگر جدا می‌سازند. موافقتنامه بارسلون سال ۱۹۲۱ را از این جهت می‌توان به منزله قانون اساسی رودهای بین‌المللی به حساب آورد. موسسه حقوق بین‌الملل در کنفرانس هلسینکی به سال ۱۹۶۶ قواعدی را به نام مقررات هلسینکی تدوین نموده و عبارت حوزه آبی بین‌المللی را به کار برد. بعدها به پیوست قطعنامه ۵۱/۲۹۹ سال ۱۹۹۷ درخصوص کاربری غیرکشتریانی آبراه‌ها، انجمن حقوق بین‌الملل نیز در سال ۲۰۰۴ با تدوین سند قواعد منابع آب برلین سال ۲۰۰۴ به همراه دستورالعمل نظارت و ارزیابی بر منابع آب زیرزمینی ملل متحد ۲۰۰۸ و پیش‌نویس مفاد حقوق آب‌های زیرزمینی فرامرزی سال ۲۰۰۸ درصد ارائه معیاری ترکیبی از قواعد آب‌های مشترک میان دولت‌ها بوده است که عناصر اقلیمی، آب‌شناسی و آب‌خیزداری و هیدروپلیتیکی جزء عناصر سازنده و تاثیرگذار در فرآیند شکل دادن به یک رژیم حقوقی در نظام بین‌الملل محسوب می‌گردد. (Schmeier, 2013: 44)

- بر اساس یک تعریف کلاسیک در حقوق بین‌الملل، رودها را می‌توان به چهار دسته تقسیم نمود:
- ۱- رودخانه‌ای که کلاً از سرچشمه تا دهانه در محدوده یک دولت واحد باشد منحصرأ متعلق به آن دولت خواهد بود آب‌های رودخانه و آب‌های دهانه آن آب‌های داخلی یا آب‌های ملی می‌باشد. (ماده ۹ کنوانسیون حقوق دریاها)
  - ۲- رودخانه‌های مرزی یعنی رودخانه‌هایی که دولت‌های مختلف را از هم جدا می‌کند و در اکثر موارد رودخانه‌های مرزی متعلق به دولت‌هایی هستند که در ساحل آن قرار دارند. خط مرزی، خط منصف رودخانه است در بخش رودخانه‌های غیر قابل کشتیرانی هیرمند

<sup>1</sup> Louisiana v. Mississippi 282 U.S. 458 (1931)

یک نمونه مثالی بوده که در سرحدات مرزی دوکشور ایران و افغانستان قرار دارد و در مورد رودخانه‌های قابل کشتیرانی مانند اروند رود تحدید حدود آن براساس خط تالوگ که در قلمروهای سرزمینی ایران و عراق واقع شده است.

۳- رودخانه‌های چند ملیتی را که پیاپی از سرزمین چند کشور عبور می‌کنند، می‌توان به رودخانه‌های چند ملیتی توصیف نمود این رودها به ترتیب متعلق به دولت‌هایی هستند که از خاک آن‌ها عبور می‌کنند.

۴- رودهای بین‌المللی شامل آن دسته از رودخانه‌های چند ملیتی است که به آب‌های آزاد مرتبط و قابل کشتیرانی می‌باشد گرچه متعلق به سرزمین دولت‌های مختلف هستند. (مقتدر، ۱۳۷۵: ۹۶)

برابر تقسیم‌بندی‌های فوق، تنها رودخانه‌هایی، بین‌المللی تلقی می‌شوند که اول از سرزمین چند کشور عبور کرده و دوم قابل کشتیرانی باشد و سوم به آب‌های آزاد برسد.

در معاهده ورسای از تقسیم بندی فوق پیروی شده و در ماده ۳۳ معاهده ورسای رودخانه بین‌المللی را رودی می‌داند که قابل کشتیرانی و بیش از یک کشور را به آب آزاد متصل نمایند. (بارنیا، ۱۴۰۱: ۴۶)

از این رو، دیوان بین‌المللی دادگستری سال ۲۰۲۲ در پرونده شیلی علیه بولیوی نسبت به رودخانه مرزی سیلالا مستند به این که دولت خواهان این آبراه را بین‌المللی نمی‌دانست دیوان این طور به اظهارنظر پرداخت (International court justice 2023 Dispute over The status and use of the waters of The Silala): سرچشمه رودخانه سیلالا اگرچه در قلمرو حاکمیت سرزمینی بولیوی واقع شده اما پس از پیمودن مسیری در حدود ۶ کیلومتر از مرز مشترک این دولت ادامه پیدا کرده و وارد منطقه آنتوفوگاستا در سرزمین شیلی می‌شود لذا نمی‌توان برپایه چنین ادعایی جزو رودخانه‌های سرزمینی قرارداد.

رودخانه مرزی هیرمند نیز مستند به رای فوق و نیز دومین گزارشی که گزارشگران کمیسیون حقوق بین‌الملل سال ۱۹۸۶ با موضوع حقوق کاربری‌های غیرکشتیرانی آبراهه‌های بین‌المللی ارائه دادند و بخشی از آن به مسئله اختلافات در باب هیرمند اختصاص دارد. این گونه به توصیف از این آبراه می‌پردازد: رودخانه‌ای است که سرچشمه‌های آن از دو سرشاخه اصلی یعنی هیرمند و ارغنداب که واقع در مناطق سرزمینی افغانستان هستند و پس از طی مسیری به طول ۱۲ مایل در امتداد مرز مشترک این دولت با ایران ادامه پیدا کرده و در آن جا به تالابی که میان سرزمین‌های این دو دولت قرار گرفته سرازیر می‌گردد. (C Mc Caffrey, 1986: 121)



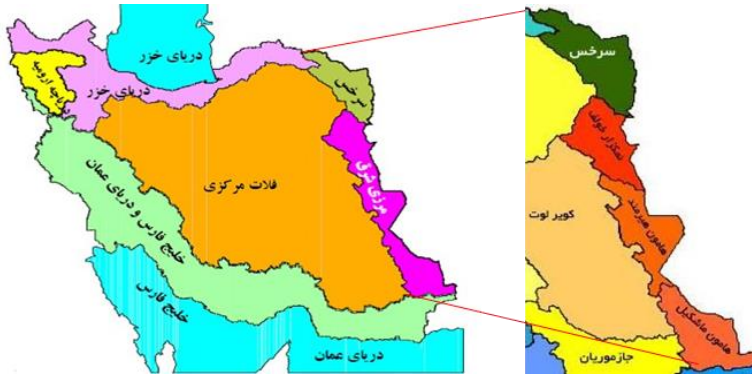
به این ترتیب، با توجه به ویژگی‌های حقوقی مورد اشاره در سند بالا از آن، برای این رود در نظام تقسیم‌بندی رودها شرایط دسته دوم یعنی: رودخانه‌های مرزی محرز است.

### ۱-۲. جایگاه رود هیرمند در بخش آبراه‌های مرزی

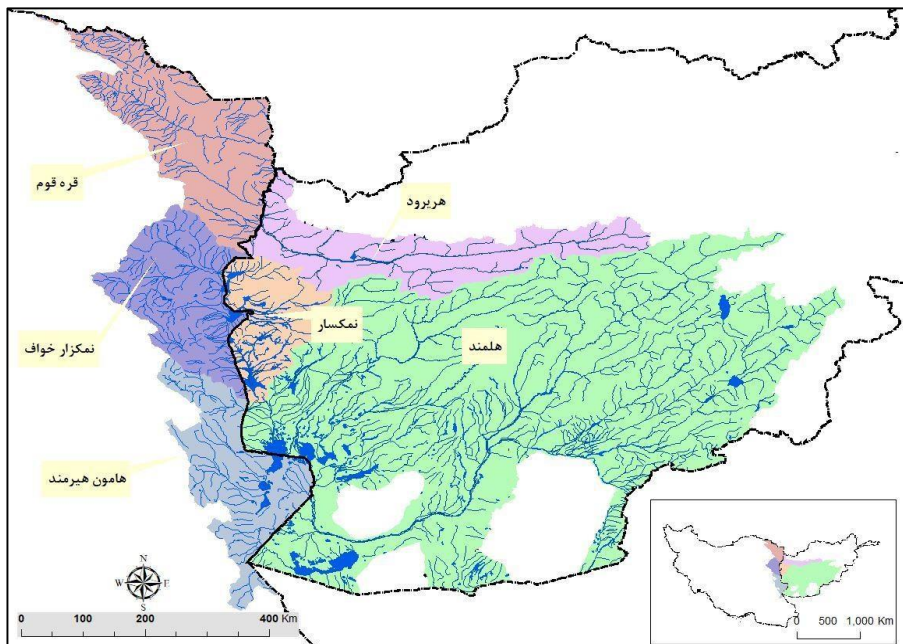
در میان کشورهای آسیایی به‌ویژه خاورمیانه نیز اصلی‌ترین کاربردهای اقتصادی آبراه‌های بین‌المللی در وهله نخستین آبیاری و بعد از آن تولید برق است و از دیگر مصارف معمول از آبراه‌ها به‌ندرت در عهدنامه‌ها ذکر شده است. در مبادله‌نامه افغانستان - پاکستان در سال ۱۹۳۴ پیش‌بینی شده که اهالی روستایی از پاکستان بتوانند از شعبه انوار خوار که افغانستان را از پاکستان جدا می‌کند برای حمل چوب و الوار استفاده کنند. رود مرزی هیرمند نیز در بخش آبخیزداری، اصلی‌ترین کارکرد آن کاربری اقتصادی در منطقه خاورمیانه است برخلاف اروپا و دیگر مناطق معتدلی از جهان به‌لحاظ اقلیمی، بزنگاه حیات محیط زیستی در جنوب شرق ایران و تقلا برای صیانت از محیط‌زیست پایدار و دسترسی اشخاص به آب تازه و در دسترس جاری بودن بستر این پهنه آبی می‌باشد. منطقه‌ای که در جنوب غربی آسیا به‌لحاظ جغرافیای طبیعی از نزولات آسمانی آنچنان بهره‌مند نشده و در میان دشت‌های پهناور و خشک واقع شده‌اند و دارای شرایط ناپایدار جوی هستند. لذا اولویت برای دولتی مثل ایران در بخش آبخیزداری آبرسانی است که خود دو سویه اقتصادی و زیست محیطی را به جهت حمایت از بقا حیات طبیعی دریاچه هامون به همراه دارد.

افغانستان و ایران در دو حوزه اصلی قره‌قوم (سرخس) و مرزی شرق با هم مشترک می‌باشند حوزه آبریز مرزی شرق به سه حوزه نمکزار خواف، هامون هیرمند و هامون تقسیم می‌گردد، که افغانستان با دو زیرحوزهی نمکزار خواف و هامون هیرمند مشترک می‌باشد حوزه آبریز قره‌قوم (سرخس) در ایران با حوزهی هریرود در افغانستان، حوزه آبریز نمکزار خواف با حوزه آبریز نمکسار افغانستان و حوزهی آبریز هامون هیرمند با حوزهی آبریز هلمند افغانستان مشترک می‌باشد مساحت هر یک از این حوزه‌ها در افغانستان و ایران مقایسه شده است. میزان بارندگی تجمعی در سال آبی ۱۳۹۶-۱۳۹۵ در حوضه مرزی شرق ۶/۵۰ میلی‌متر و در حوزه قره‌قوم ۴/۱۲۳ میلی‌متر بوده است، که به ترتیب نسبت به بارندگی متوسط ۴۹ ساله ۷/۷۵ و ۸/۴۳ میلی‌متر کاهش داشته است. میزان بارندگی تجمعی در سال آبی ۱۳۹۶-۱۳۹۵ در زیرحوزه پترگان خواف ۲/۳۶ میلی‌متر و در زیرحوزه هامون هیرمند ۹/۳۰ میلی‌متر گزارش شده است، که نسبت به میانگین ۹۴ ساله به ترتیب ۴/۷۶ و ۳/۷۸ میلی‌متر کاهش داشته است. (حسینی، ۱۳۹۷: ۷۷)

نقض حق آبه ایران در هیرمند توسط افغانستان در پرتو نظام حقوقی رودخانه‌های بین‌المللی با تأکید بر ...



نام حوزه‌های آبریز در افغانستان	مساحت $1000 \times 2 \text{ Km}^2$	نام حوزه‌های آبریز در ایران	مساحت $1000 \times 2 \text{ Km}^2$
هریرود	39	قره‌قوم	44/2
نمکسار	2	نمکزار خواف	23
هلمند	3	هامون هیرمند	33



فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای فقه  
شماره ۱۶، پاییز ۱۴۰۳

از آنجا که رودخانه هیرمند از شمال شرق افغانستان سرچشمه گرفته و علاوه بر عامل هیدرولوژیکی یا همان ریزش‌های جوی به صورت برف و باران، عوامل منطقه‌ای، توسعه‌ای و بین‌المللی زیادی بر روی برداشت آب در کشور افغانستان و به تبع آن کاسته شدن از میزان آب رودخانه هیرمند به سمت ایران تاثیرگذار بوده‌اند. (شهبازبگیان، باقری و موسوی شقایب، ۱۳۹۵: ۱۶۸)

### ۱-۳. روند تاریخی تاثیرگذار بر حق‌ابه ایران از رودخانه مرزی هیرمند

رودخانه هیرمند از جمله قلمروهای آبی بوده که در سیر تاریخی خویش به‌طور متناوب هر ۲۵ تا ۳۰ سال یک سیلاب و یک خشکسالی را داشته است تا آغاز قرن پانزدهم میلادی به دلیل وجود سدی که بر روی هیرمند وجود داشت منطقه سیستان به یکی از مراکز اصلی تامین غله ایران تبدیل شده بود. این در حالی است که ایران و افغانستان از جمله همسایگانی هستند که با وجود رودخانه‌های مشترک یا فرامرزی هم دارای معاهداتی درخصوص تقسیم منابع آبی مشترک بوده و هم اهمیت آب برای مردمان هر دو کشور، به دلیل ماهیت کشاورزی محور اقتصاد آن‌ها، بسیار زیاد است. از ابتدای جدایی افغانستان از ایران در سال ۱۸۷۲ مساله مدیریت آب‌های مرزی و لزوم بهبود وضعیت مدیریت آن‌ها برای افزایش تولید ملی در بخش کشاورزی، دغدغه مردم دو کشور بوده است با توجه به اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه جنوب آسیا و افغانستان برای قدرت‌های جهانی و کمبود شدید منابع آب در جهان و منطقه و وجود رودخانه‌های بین‌المللی، لزوم توجه به شیوه‌های تامین و مدیریت منابع آب از جمله بهره‌برداری از رودخانه‌های فرامرزی، حائز اهمیت است. یکی از این جنبه‌های مهم، توجه به بعد امنیت انسانی این مساله است. زیرا امروزه بحران‌های متعدد جهانی آب، مفهوم امنیت ملی را نیز دستخوش تغییر و تحول بنیادین قرار داده‌اند. (پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی، ۱۴۰۰: ۱)

اهمیت رودخانه هیرمند از نظر آبیاری منطقه سیستان، دلتا و اطراف رود و همچنین تغییر مسیر و انحراف آن از عواملی است که بخش مهمی از اختلافات و ناآرامی‌های منطقه را به دنبال داشته است. دشت سیستان با بیش از ۸ هزار کیلومتر مربع وسعت در شمال استان سیستان و بلوچستان که زمانی به انبار غله معروف بوده به دشتی خشک با معضل شن‌های روان مبدل شده است. با جدایی افغانستان از ایران (به سال ۱۸۷۲ میلادی) و سپس تقسیم واحد جغرافیایی سیستان به دو واحد سیاسی (سیستان افغانستان و سیستان ایران) حوزه مرطوب در قلمرو افغانستان واقع و بخش خشک آن در ایران قرار گرفت. در نتیجه هرگونه بهره‌برداری در بخش

علیای رود پیامدهایی در بخش سفلی خواهد داشت که در سال‌های خشک و بحرانی می‌تواند به قطع کامل جریان آب بینجامد. موقعیت جغرافیای طبیعی ایران در کمربند خشک و نیمه‌خشک جهان سبب شده از نظر شاخص تنش آب و نسبت آب شیرین تجدید شونده به جمعیت، این کشور به سوی تنش و بحران جدی آبی در منطقه حرکت کند. طی سال‌های اخیر خلف وعده‌های دولت‌های افغانستان در دوره ریاست جمهوری حامد کرزای و اشرف غنی و عدم پایبندی آن‌ها به توافقات دوجانبه بویژه پس از روی کار آمدن مجدد گروه طالبان یعنی با افتتاح فاز سوم بند کمالخان با همکاری یک شرکت ترکیه‌ای تبار در حوزه سدسازی شرایط رژیم حقوقی این آبراه را از سال ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۲۰ وارد مسیر جدید بحران برانگیز دیگری نمود. (سیستانی، ۱۴۰۰: ۴۳۷)

این در حالی است که طی این دوران رویه حاکمان افغانستان بیش از این که مبتنی بر ایفاء تعهدات در مقابل حق آبه ایران باشد رویکرد بی‌اعتنایی اتخاذ کرده و اقداماتی نموده که در چارچوب روابط مسالمت آمیز میان دولت‌ها مطابق قطعنامه شماره ۲۶۵۲ سال ۱۹۷۰ مجمع عمومی ملل متحد در خصوص اصول حاکم بر روابط بین‌المللی به‌طور اعم و نیز بطور خاص معاهدات ۱۳۱۷ و ۱۳۵۱ میان دو کشور و مربوط به حقایق ایران از هیرمند و نیز کنواسیون‌های بهره‌برداری غیر کشتیرانی از آبراه مرزی قابل توجیه منطقی و مطلوب نیست. حال آن که ایران در طی این مدت میزبان بیش از ۳ میلیون آواره و پناه جو افغانستانی بوده که جمعیت قابل توجهی از آن‌ها در منطقه سیستان سفلی در قلمرو سرزمینی ایران یعنی همان‌جا که شرایط اقلیمی تحمیلی از جانب همسایه شرقی این کشور مستولی گشته، سکونت داده شده‌اند.

طول رود هیرمند ۱۱۰۰ کیلومتر است که طویل‌ترین رود واقع بین فرات و سند محسوب می‌شود شعبه اصلی آن از کوه بابا در ۶۰ کیلومتری غرب کابل سرچشمه می‌گیرد. دو شاخه اصلی آن به نام ارغنداب و کجکی در محلی به نام قلعه بست به هم می‌پیوندند مسیر این رود ابتدا در جهت جنوب غربی است سپس به شکل قوسی جنوب غربی افغانستان را تا «بند کمالخان» طی می‌کند و در این نقطه به سمت شمال پیچیده و سپس در حدود ۴۰ مایلی بطرف شمال در محلی به نام کوهک در مرز ایران به دو شعبه تقسیم شده که یکی در جهت شمال و دیگری به سمت شمال غرب جریان می‌یابد و به دریاچه‌های معروف هامون می‌ریزد.

رشته شرقی رودخانه که در کوهک جدا می‌شود و در افغانستان به نام «رود مشترک» و در ایران به «پریان یا پریان مشترک» معروف است و در حدود ۱۲ مایل مرز میان ایران و افغانستان را تشکیل می‌دهد. عرض متوسط رود هیرمند ۲۰۰ تا ۹۰۰ متر و عمق آن بین ۲ تا ۵ متر است.

آورد آبی سالانه این رود به طور متوسط حدود ۷ میلیارد متر مکعب لیکن از ثبات نسبی برخوردار نیست.

حجم آب در نواحی ایران در سال ۱۳۴۹ (سال بی آبی) ۶٪ مترمکعب در ثانیه بوده درحالی که سال ۱۳۲۸ به حدود ۱۴۶ مترمکعب رسید.

در سال ۱۸۷۰ گلد اسمیت دهمین مدیر کل اداره تلگراف هند و اروپایی از سوی بریتانیا مامور شد تا مرز بلوچستان و مکران را مشخص نماید. به طور خلاصه از رای گلد اسمیت چنین مستفاد می شود که آب لازم جهت مشروب ساختن زمین های طرفین هیرمند باید تامین و هیچ یک از دو طرف نباید به اقدامی در جهت نقصان آب یکی از طرفین مبادرت کنند. به علت وجود تفسیر متناقض در خصوص حق ابه ایران و خشکسالی ۱۹۰۲ م بر شدت اختلافات افزوده شد و حکمیت به داور دیگر بنام هنری مک ماهون انگلیسی محول گردید. بر اساس این حکمیت مقرر شد تا طرفین حق احداث بنا و انهار نداشته تا آب لازم برای شرب اراضی زراعی طرفین در سواحل تقلیل نیابد. دولت ایران از قبول رای ماهون به سبب عدم تطابق با واقعیات خودداری کرد. افغانستان در دهه ۱۹۳۱ تلاش های تازه ای برای حل مساله آب هیرمند آغاز کرد که حاصل آن منجر به پروتکل موقت ۱۳۱۵ و قرارداد ۱۳۱۷ گردید که در نخستین ماده این قرارداد آمده است: دولت های ایران و افغانستان توافق کردند که همه آب هیرمند از بندکمالخان (۴۷ کیلومتری داخل خاک افغانستان نسبت به مرز ایران) به سهم مساوی میان ایران و افغانستان تقسیم گردد.

در سال ۱۳۲۸ ایجاد دو بند و یک سد روی هیرمند اعتراضات ایران را به دنبال داشت و حتی قرار شد تا نماینده ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد آن را مطرح سازد اما با توجه به ماده ۳۳ منشور ملل متحد چون مورد اختلاف را در سطح بررسی ندانستند و آن را مطرح نکردند. از پیشنهاد میانجی گری آمریکا توسط نماینده آن دولت جرج آلن میان ایران و افغانستان استقبال گردید و در نتیجه کمیسیونی مرکب از سه متخصص از اتباع دولت های بی طرف با موافقت طرفین تشکیل شد. تا با رعایت اصول و سوابق مربوط به تقسیم آب رودخانه های بین المللی، ترتیبی موقتی برای توزیع آب هیرمند به ایران و افغانستان پیشنهاد نماید. اما کمیسیون در گزارش نهایی نسبت به اثرات سد کجکی و ذخیره سیلاب ها هیچگونه اشاره ای نداشت. کمبود آب در سال ۱۳۵۰ دو دولت را به ارائه طرح و در نهایت انعقاد قرارداد سال ۱۳۵۱ واداشت تا با توجه به سوابق موجود راه حل عادلانه ای را در مسائل حقوق بین الملل بیابند. (بهمنی قاجار، ۱۳۸۶: ۱۹۳)

## ۲. حقوق و تعهدات دولت‌های ساحلی رودخانه هیرمند

ایران به‌عنوان دولت ذینفع پایین دست رود هیرمند خواستار آن است که افغانستان بر مبنای تعهدات بین‌المللی و حسن همجواری در چارچوب توافقات معاهده ۱۳۵۱ عمل کند. حال آن‌که عدم تحویل حق آبه ایران از سوی دولت افغانستان و نیز قطع کامل آب رودخانه هیرمند در قلمرو استان سیستان و بلوچستان توانسته تا دوره‌هایی از خشکسالی‌های بلندمدت را به نواحی جنوب شرق ایران تحمیل نماید. این در حالی است که مطابق با موازین حقوق بین‌الملل دولت‌های کرانه رودخانه‌ها در کاربری‌های غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی با شیوه آبخیزداری بهره‌برداری موثر و مترقیانه‌ای را به نفع سرزمین خود و دولت‌های همسایه پایین دست رود داشته باشند یکی از قواعد مورد قبول این است که دولت کرانه حق دارد برای بهره‌برداری بهینه از آب آن بخش از آبراه که از سرزمینش می‌گذرد، اقدامات لازم را انجام دهد. بی آن‌که قبلاً از کشور پایین دست اجازه بخواهد مشروط بر این‌که منجر به ضرر و زیان نشود آن‌طور که در قضیه لانور مورد تأکید قرار گرفت از جمله: ممنوعیت بستن آب، به‌گونه‌ای که هنگام ورود به سرزمین دولت پایین دست، آب به حدی پایین رفته باشد که خاصیت یک آبراه و قابلیت استفاده را از دست داده باشد. از نظر حقوقی زیان باید در درجه‌ای از اهمیت باشد که ناقض منافع دولت‌های دیگر به حساب آید. طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۷ مربوط است به زیان‌های قابل ملاحظه و انتخاب معیارهای واقعی و مطلوب با این رویکرد که تشخیص میزان خسارات چندان ساده نیست. برای موارد اختلافی مورد نظر باید دو مورد را از هم جدا کرد موردی که کاهش آب قابل استفاده در پایین دست بر اثر انحراف جریان آب است و موردی که سطح آبراه به سبب بهره‌برداری بیش از اندازه کشور بالا دست پایین می‌آید. این موضوع خود بیان‌گر عرفی کاملاً مقبول و جا افتاده می‌باشد که به موجب آن بهره‌برداری یک دولت از آبراه نباید به‌زیانی بیش از اندازه برای دولت دیگر بینجامد. (ممتاز، ۱۳۷۶: ۱۳۰)

## ۲-۱. تعهدات افغانستان (به‌عنوان دولت بالادست) و حقوق ایران (به‌عنوان دولت پایین دست)

ماده ۱۷ کنوانسیون استفاده غیر کشتیرانی از آبراه‌ها با عنوان تعهد بر عدم تسبیب در ورود ضرر اعلام می‌دارد که کشورهای آبراه در بهره‌برداری از آبراه سرزمین خود، تمامی اقدامات مقتضی را باید اتخاذ کنند تا از اعمال خسارت عمده به سایر کشورهای کرانه آبراه ممانعت به عمل آید (بند یک) و در صورت وارد نمودن خسارت عمده بر سایر کشورهای حاشیه آبراه آن دولت را ملزم

می‌سازد که با به‌کارگیری ابزارهای مناسب در جهت تقلیل و یا جبران خسارت وارده برآیند. افغان‌ها این موضوع را صبغه حقوقی قرار داده و در معاهده ۱۳۵۲ نیز درج کردند و در ماده ششم از آن معاهده آمده است که: «افغانستان اقدامی نخواهد کرد که حقا به ایران برای زراعت به‌طور کلی نامناسب شود» (رخشان، ۱۳۸۵: ۱۴۰) این درحالی است که افغان‌ها برخلاف تعهداتشان در کنار کاهش بارندگی‌های پی در پی موجبات خشکسالی‌های شدیدتری را بوجود آوردند دولت - ایران به ترتیب ذیل: الف - سال‌های ۵۰-۱۳۴۹، ۵۳ میلیون متر مکعب ۲- سال‌های ۸۰-۱۳۷۸ که جریان آب به‌طور کامل در هیرمند قطع شد (در مقایسه با سال‌های ۲۵-۱۳۲۴ که حجم سالانه آب دریافتی ۲۱۷۴ میلیون متر مکعب در محل دوشاخه کوهک و زهک بوده است) میزان آب دریافتی داشته است. اما شعبه ایرانی هیرمند یعنی «رود سیستان» از سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۵۸، تنها ۶۲ متر مکعب در ثانیه آب داشته است با توجه به دبی متوسط هیرمند (حدود ۱۵۰ متر) و امکان ارسال آب به ایران از طریق رود سیستان (با دبی متوسط ۶۲ متر مکعب) میزان فعلی یعنی ۲۶ متر مکعب حقا به بسیار ناچیزی برای پاسخ‌گویی به نیازهای منطقه محسوب می‌شود. قبلاً شعبات رود هیرمند وارد دریاچه هامون می‌شد اما درحال حاضر با انحرافات که در مسیر رود بوجود آمده ادامه رودخانه هیرمند در منطقه پریان جیان (در قلمرو ایران) نبوده بلکه به سمت افغانستان برگشته و منطقه چخانسوز را آبیاری می‌کند. (بریمانی، ۱۳۸۳: ۱۹۰)

این در حالی است که براساس ماده ۴ و ۵ سند هلسینکی هر کشور در استفاده از منافع حاصل از آب رودخانه مشترک و از سهم مناسب و مساوی برخوردار خواهد بود و در دوره حکومت سابق افغانستان تعمیر بند کمالخان بیش از ۶۷۹ میلیارد ریال به جامعه دهقانی منطقه سیستان، خسارت سنگینی را وارد آورده است. میانگین تولید آب در افغانستان بنا بر حسب آمار رسمی بیش از ۵۷ میلیارد متر مکعب که کمتر از ۳۰٪ آن مورد استفاده قرار می‌گیرد و مابقی به کشورهای همسایه وارد می‌شود لکن ایران تنها از ۶٪ آن استفاده می‌کند و اثرات سوء آن به‌خصوص به علت فقدان منابع جایگزین در سطح محلی و منطقه‌ای در عدم استفاده از رودخانه هیرمند در استان سیستان و بلوچستان بسیار محسوس است. داوری لانور اولین قواعد وظیفه دولت‌ها در خصوص خسارت فرامرزی است که در حیظه قلمرو نظارت آن دولت‌ها قرار دارند و وظیفه دارند تا منابع مختلفی را که در معرض خطر قرار دارند مورد ملاحظه قرار داده و باید به‌وضوح نشان دهند که مساله تطابق و توازن میان منافع خود و سایر کشورهای ساحلی را واقعاً لحاظ نموده‌اند. (امامی، ۱۳۸۱: ۱۰۲) به این ترتیب هر دولت ساحلی می‌تواند تاسیساتی را در مسیر آبراه بنا کند مشروط بر این که منافع مشروع دولت پایین دست را از نظر دور ندارد.

## ۲-۲. غیر قانونی بودن تغییر مسیر آبراه هیرمند:

براساس ماده ۱۱ معاهده ۱۳۵۲ که شرایط فورس ماژور و خشکسالی را یادآور و ایجاد تشکیل کمیسیاریای طرفین را پیشنهاد می‌نماید و مطابق ماده دوم پروتکل الحاقی که در صورت بروز اختلاف و عدم تاثیر راه‌های دیپلماتیک یا مساعی، ارجاع به حکمیت را راه حل بعدی مطرح می‌کند. افغانستان برخلاف این تعهدات نظر ایران را درباره احداث سد های کجکی و ارغنداب مبنی بر این که به سهمیه ایران لطمه زده وارد ندانسته است. افغان‌ها در فصول مورد نیاز به آب کشاورزی (بهار و تابستان) اجازه ورود آب را به سمت ایران نمی‌دهند و بالعکس در فصول پرآبی (پاییز و زمستان) آب هیرمند را بدون هیچ‌گونه تمهیدی به سمت ایران به شکل سیل‌های ویران‌گر سرازیر می‌کنند. (مجموعه مذاکرات مجلس، دوره ۱۹: جلسه ۱۲) بدین علت که حوضه عملیاتی رودخانه در نواحی مرطوب و سفلی آن در مناطق خشک قرار می‌گیرد. این امر باعث تغییرات سخت فصلی و سالانه آب رود هیرمند به‌ویژه در بخش سفلی و مصب رودخانه می‌شود.

افغانستان برخلاف (ماده ۴) پیش‌نویس کنوانسیون بهره‌برداری از آب‌های بین‌المللی (استفاده غیر کشتیرانی) که دولت‌ها را از بهره‌برداری مضر به حال دولت پایین دست برحذر و در صورت اقدام آن‌ها را ملزم به پرداخت غرامت می‌داند، رفتار کرده است. بر اساس مقررات هلسینکی در زمان حاکمیت گروه طالبان مسیر رودخانه هیرمند را با به کنترل گرفتن خروجی‌های آب پشت سد کجکی منحرف و با تعمیر بند کمالخان سبب تغییر سرزمینی در منطقه سیستان گردیدند. (کرم‌زاده، مرادیان، ۱۳۹۶: ۳۴۷) کاهش تدریجی وسعت دریاچه هامون که به‌عنوان مجموعه تالاب‌های بین‌المللی به حساب می‌آید اثرات سوئی را در منطقه به جا گذاشته است و دشتی که زمانی آکنده از آب رودخانه هیرمند بوده و از اثرات بادهای ۱۲۰ روزه جلوگیری می‌کرد در حال حاضر در معرض فاجعه‌ای زیست محیطی قرار داده به گونه‌ای که بخش‌های قابل توجهی از مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان خالی از سکنه شود و تا سال ۱۳۸۱ روستاهای متروکه به بیش از ۲۳۶ روستا افزایش پیدا کند. (اکبری و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۹۳)

تغییر دادن مسیر آبراه، علاوه بر منتهی شدن به مصرف همه آب و تهی گشتن یا نیمه خشک شدن مسیر رود، امکان تغییر مسیر آبراه در خطوط مرزی را به‌وجود می‌آورد. از این رو، این ممنوعیت حتی شامل مواردی همچون تلمبه زنی نیز هست به‌عنوان نمونه اسرائیل در خصوص انتقال آب دریاچه طبریه مدعی بود که تلمبه زنی غیر از انحراف جریان آب بوده هرچند ظاهر واقعیت نیز همین است زیرا مسیر رود اردن تغییری نکرده ولی منشاء اصلی کاهش آبدی رود اردن در محل خروج از دریاچه چیزی جز عملیات انجام شده از جانب اسرائیل نیست تاجایی



که گزارش‌های سازمان ملل هم موید ادامه این وضعیت بوده چرا که در عمل، بخش قابل ملاحظه‌ای از نیاز اسرائیل از طریق همین عملیات تامین شده و املاح آن طی یک چرخه‌ای به رود اردن برگردان می‌شد این مقدار حدود ۴۰۰ میلیون متر مکعب در سال برآورد شده است انتقال حجم عظیمی از این قلمرو آبی، سبب شده تا املاح باقیمانده آب غلظت نمک و شوری آن را افزایش دهد در نتیجه مصارف خانگی و استفاده از بخش کشاورزی را برای سواحل پایین دست آن با دشواری‌هایی روبرو ساخته است. (موسوی، ۱۳۸۹: ۲۷)

انستیتوی حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۱۱ تغییر دادن بستر آبراه را عملی زیان آور قلمداد کرده است. سوارزهاال نیز در درس آکادمی لاهه به سال ۱۹۵۳ بر همین نظر است. به عقیده وی ایجاد تغییر در محل جریان آب کشور پایین دست یا انحراف در آبراه به گونه‌ای که حوزه آبریز آن تغییر کند عملی خلاف روابط دوستانه و حسن همجواری دولت‌هاست. تغییرات زیست محیطی را هم نمی‌توان نادیده گرفت و اگر این گونه اقدامات تعادل طبیعی و زیست محیطی را برهم زند شامل حکم بیست و یکم اعلامیه اجلاس ملل متحد برای محیط زیست خواهد بود. بر اساس آن، که آن را بیان قاعده عرفی در این باره می‌دانند دولت‌ها در بهره‌برداری از منابع خویش و مطابق با سیاست‌های خود حق حاکمیت دارند اما مکلفاند در محدوده صلاحیت یا مناطق تحت نظارت خود به گونه‌ای فعالیت کنند که سبب زیان و خسارت به محیط زیست دولت‌ها نشوند. (امیر ارجمند، ۱۳۷۱: ۴۳۵)

مک کافری مخبر ویژه پیشین کمیسیون حقوق بین‌الملل در مساله حقوق استفاده‌های غیر کشتی‌رانی از آبراه‌های بین‌المللی، بر این نظر راسخ بوده است که برای تامین استفاده‌های گوناگون از آبراه‌ها تضمین و اطمینان از حداقل آبدهی آبراه ضرورتی تام دارد. (ممتاز، ۱۳۷۶: ۱۵۷)

در دعوی رود موز (این رود از فرانسه سرچشمه و پس از عبور از خاک هلند و بلژیک به دریای شمال می‌ریزد). دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در رای مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۳۷ اعلام کرد که مداخلاتی که در مورد انشعاب آب‌های رود موز بدون موافقت بلژیک و هلند صورت گرفته، غیر قانونی و دو دولت را موظف به آن دانسته است که در هنگام برداشت آب از رودخانه، اعمالی که خلاف روح کنوانسیون سال ۱۸۶۳ باشند، انجام ندهند. (مزدارانی، ۱۳۸۲: ۴۷)

همچنین براساس معاهده سال ۱۸۴۸ میان بلژیک و هلند طبق آن دولتین نه تنها موافقت خود را در بهره‌برداری از آب رودخانه مشترک مرزی اعلام داشتند بلکه در مقابل یکدیگر متعهد شدند تا از انجام اقداماتی که موجب زیان به دولت دیگری می‌شود خودداری کرده و نیز در صورتی که

یکی از آن‌ها به انحراف مسیر رود اقدام نمایند کشور خسران دیده از چنین عملی می‌تواند راسا در خصوص اعاده به شرایط سابق و بازگرداندن رود به مسیر اصلی اقداماتی اتخاذ کند. (پورنوری، ۱۳۸۳: ۱۲۱)

### ۲-۳. رعایت اصل تقسیم بالمناصفه در بهره‌برداری از آب هیرمند

ماده ۵ معاهده ۱۳۵۲ ایران - افغانستان به عنوان یکی از اصول عرفی و مورد قبول در حقوق رودهای بین‌المللی بوده که اصل استفاده منصفانه، همسان و منطقی از آبراه‌های بین‌المللی را یادآور می‌شود. که در مواد ۵ و ۶ کنوانسیون حقوق بهره‌برداری از آبراه‌های بین‌المللی برای مقاصد غیر کشتیرانی بدان تصریح شده است.

کمیسیون حقوق بین‌الملل با تاسی از رای دیوان در قضیه لانو از سال ۱۹۸۴ به بحث اصل استفاده منصفانه از آبراه مبتنی بر توازن بین حقوق حاکمه دولت‌ها بر آب‌های سرزمینی و منافع دولت‌های پایین دست در بهره‌گیری از این آب‌ها پرداخت.

در ماده ۵ دولت‌ها خود را متعهد می‌دانند که در قلمروشان از آبراه بهره‌برداری معقول و منصفانه داشته باشند به‌ویژه برای بهره‌برداری مطلوب، پایدار و انتفاع از آن با توجه به منافع کشورهای حاشیه آبراه و با محافظت کافی از آبراه که عنوان ماده ۶ کنوانسیون را در خصوص بهره‌برداری منصفانه، معقول و مشارکت در بهره‌برداری را مطرح می‌نماید.

نص حکمیت گلد اسمیت چنین اشاره کرده است « با توجه به خط مرزی که متصرفات ایران را مشخص می‌کند هیچ یک از دو طرف تحت هیچ عنوانی حق نخواهند داشت که در آب زراعی اراضی دو طرف رودخانه هیرمند دخل و تصرف کنند. این موضوع شامل انه‌ار موجود و انه‌ار قدیمی و متروکه که توسط افغانستان تحت تعمیر واقع خواهد شد و همچنین شامل حفر انه‌ار جدید نمی‌شود مشروط بر آن که آب لازم برای آبیاری سواحل ایران تقلیل نیابد. (امامی، ۱۳۸۱: ۸۷)

اعلامیه مونته‌ویدئو<sup>۱</sup> سال ۱۹۳۳ و نیز سند آسانسیون<sup>۲</sup> سال ۱۹۷۱ که هر دو توسط دولت‌های آمریکای جنوبی مدون شده بدین موضوع صراحت دارند که دولت دربخش‌های مصارف مربوط به آبخیزداری و مرتفع نمودن نیازهای آبی از حقوقی برابر جهت تمتع از

<sup>1</sup> The Declaration of Montevideo

<sup>2</sup> The Act of Asuncion

رودخانه‌های مرزی مشترک برخوردارند در نتیجه دولت‌های درمسیر نباید شرایطی برای آسیب زدن به دولت‌های پایین دست ساحل آبراه‌ها بوجود آورده و آن‌ها را از حقوق حقه خود محروم نموده و ملاحظات مربوط به حسن همجواری را نادیده بگیرند.<sup>۱</sup>

بر پایه ضابطه اول رود بین‌المللی آبراهی است که قسمت‌های مختلف آن در قلمرو چند کشور واقع شده است که این رودهای بین‌المللی به رودهای همجوار یا مرزی و در شعبات پیاپی تقسیم می‌شوند. بر پایه ضابطه دوم رود بین‌المللی آبراهی است که از آن استفاده‌های اقتصادی شده از جمله مصارف کشتیرانی تجاری، کشاورزی (آبیاری)، صنعتی، ماهیگیری و بالاخره تولید انرژی. (Malla, 2013: 5)

ماده ۵، معاهده ۱۳۵۲ در بخش آخر آن برخلاف اصل پنجم کنوانسیون این تعهد در آن مندرج شده «ایران هیچ‌گونه ادعایی بر آب هیرمند بیشتر از مقادیری که طبق این معاهده تثبیت شده است، ندارد حتی اگر مقادیر آب بیشتر در دلتای سفالی هیرمند میسر هم باشد و مورد استفاده ایران هم بتواند قرار بگیرد.» (رخشانی، ۱۳۸۵: ۱۴۹)

قبول چنین تعهدی با اصول کاربردی منصفانه از رودهای بین‌المللی مطابقت ندارد به دلیل آن که درخواست ایران (به‌عنوان کشور پایین دست) هدایت آب‌های اضافی است که امکان آن برای افغانستان (به‌عنوان کشور بالا دست) میسر بوده تا دلتای رود (سیستان) مشروب گردد و با عوامل جغرافیایی منطقه مطابقت دارد اما ایران از چنین موقعیت عادلانه‌ای محروم می‌شود. موضوعی که در سوابق تاریخی رژیم حقوقی هیرمند مشاهده شده و در سال ۱۹۰۵ اقدام افغانستان در تغییر مسیر رودخانه به سوی دلتا بروز اختلافات و حکمیت مک ماهون را سبب گردید براساس آن  $\frac{2}{3}$  از آب هیرمند به افغان‌ها بخشیده شد. کمبود آب در منطقه سیستان افراد محلی را واداشت تا دو نهر جدید از شاخه اصلی رودخانه مرزی در جایی که ماهون هرگونه دخالت در هیرمند را از سوی طرفین ممنوع کرده بود، جدا ساختند. پروتکل سال ۱۳۱۸ از نقاط پیشرفت بهتری نسبت به حکمیت مک ماهون برخوردار و در راستای تلاش‌های جدیدی در حل مساله آب هیرمند بود. به‌موجب ماده نخستین این پیمان «دولتین ایران و افغانستان توافق کرده‌اند که آب هیرمند از بندکمالخان به سهم مساوی میان دو طرف تقسیم گردد. در ماده دوم دولت افغانستان متعهد می‌شود هیچ کانال تازه‌ای برای استفاده بیشتر از آن چه هم اکنون میان ده چهاربرجک و بند کمال خان وجود دارد، احداث نکند و کانال‌های موجود را تعمیر نکند.»

<sup>1</sup> The Declaration of Montevideo: 122.

(مجتهدزاده، ۱۳۷۷: ۱۲) اما افغان‌ها با ساختن کانالی به درازای ۱۱۰ کیلومتر، با ژرفای در سراسر کانال به میزان ۲/۵ متر و پهنای ۳۰ متر سبب شدند تا این کانال بین ۱۵ تا ۲۰ هزار فوت مکعب آبی را که باید به سیستان برسد، منحرف سازد. و حتی از تحویل ۲۲ متر مکعب آب در ثانیه در دلتا و چهار متر مکعبی که با ایرانی‌ها براساس معاهده ۱۳۵۲ توافق شد سر باز زدند (مقدار آبی که کمیسیون بی‌طرف هم بر اساس آن توافق نموده بود).

در مذاکرات مجلس پانزدهم وزیر کشاورزی وقت در خصوص حل موضوع این‌گونه توضیح می‌دهد: «اختلاف بین ایران و افغانستان موضوع تازه‌ای نیست. ۷۵ سال کشمکش بوده است. به این ترتیب بوده که مامورین می‌رفتند آب را بالمناصفه تقسیم می‌کردند ولی در عمل سهم ایران خیلی بیشتر از نصف می‌شد بعضی اوقات سه ربع بلکه بیشتر آب به طرف ایران می‌آمد و برای این‌که به این قضیه ترتیب قطعی داده شود در سال ۱۳۱۱ قرار شد که یک عهدنامه بسته شود، ۶ سال مذاکره طول کشید موادی نوشته شد، دولت ایران در همان موقع پیشنهاد کرد که یک ماده گنج‌انیده و تصویب شود. خود قرارداد می‌گوید هر مقدار آبی که به بند کمالخان می‌رسد بین طرفین بالمناصفه تقسیم خواهد شد و در اعلامیه الحاقی که به امضاء وزرا رسید آمده است که طرفین نباید هیچ کاری کنند که حق دیگری پایمال شود. مجلس شورای ملی ایران قرارداد و اعلامیه را در سال ۱۳۵۲ تصویب اما مجلس افغانستان قرارداد را تصویب ولی اعلامیه را تصویب نکرد. چرا که در تیرماه سال ۱۳۵۲ در پی کودتای نظامی در این کشور رژیم شاهنشاهی آن سقوط کرده و نظام جمهوری برقرار گردید» «در این صورت آن‌ها اظهار داشتند که قرارداد بدون اعلامیه جزو لاینفک هستند و نمی‌شود آنرا تصویب نمود حالا که می‌گویند مجلس ما تصویب نکرد ما حرفی نداریم برمی‌گردیم به حکمیت گلد اسمیت (صحیح است نمایندگان).» (مجموعه مذاکرات مجلس، دوره ۱۵، جلسه ۲۰) این درحالی است قاعده ربوس یا تغییربنیادین اوضاع و احوال<sup>۱</sup> نمی‌تواند رافع مسئولیت یک کشور در رد تعهدات خود در مقابل دولت دیگر برمبنای اصل وفای به عهد و حسن نیت باشد. در اینجا این مساله نمی‌تواند توجیه کننده نادیده گرفتن سهم حقا به دولت همسایه این کشور از یک آبراه مرزی و درعین حال نقض تعهدات در چارچوب حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات را بوجود بیاورد. دولت افغانستان نمی‌تواند با وارد آوردن خسارات زیست محیط جدی بر حسب اصول حقوق بین‌الملل بدون اقدام برای جبران به اقدامات خود ادامه بدهد و قاعده تغییر بنیادین اوضاع و احوال در زمان انعقاد معاهدات مربوطه استناد کند زیرا

<sup>۱</sup> rebus sic stantibus

استناد به قاعده فوق الذکر مستلزم شرایطی است با این توضیح که وجود آن اوضاع و احوال مبنای اساسی رضایت طرفین باشد؛ در معاهدات تعیین سرحدات (مرزها) این اصل قابل اعمال نیست. اگر طرف استناد، خود باعث تغییر اوضاع و احوال شده باشد یا پس از آگاهی از تغییر، معاهده را کماکان معتبر و مجرا بداند نیز نمی‌تواند به این اصل برای خاتمه معاهده استناد کند. اصل بالمنافه در پروتکل موقتی سال ۱۳۱۵ مورد تایید نمایندگان طرفین واقع شد تا براساس آن میزان آبی که به بند کمالخان می‌رسید بالمنافه بین ایران و افغانستان تقسیم شود. (بند ۱ - پروتکل) و به موضوعاتی مانند نحوه پیش بینی حل اختلافات در صورت تغییر مجرای رودخانه هیرمند و یا افزایش عمق بستر آن پرداخته شده است (بند ه) متاسفانه شرایط ناپایدار سیاسی در افغانستان مانع از تحقق اجرای توافقات پروتکل فوق گردید. گزارش کمیسیون سه جانبه همه به شکلی بود که حقایق واقعی ایران را جهت مشروب‌سازی منطقه سیستان از رود هیرمند را تأمین نکرد بنابراین مورد قبول واقع نشد.

## ۲-۴. حق مکتسب ایران در بهره‌مندی از رودخانه هیرمند

حق مکتسب از لحاظ لغوی به معنای حق تحصیل شده و حق کسب شده است و از نظر اصطلاحی به معنای هر حقی است که در گذشته برای صاحب آن ایجاد شده است. حق مکتسب مفهومی پویا است که بر مبنای عدالت در تمام نظام‌های حقوقی، ملل مختلف از جمله فقه اسلامی مورد پذیرش قرار گرفته است. رعایت حقوق مکتسبه از جمله اصول مهم فقه اسلامی است به این معنا که هر حقی باید به همان صورتی که در ابتدا وجود داشته باقی بماند و آن وضعیت سابق تا زمانی که وضعیت جدید یا توافق جدیدی در موضوع حاضر که بهره‌مندی از رودخانه هیرمند است، صورت نگرفته، باقی بماند. (لبرزی ورکی و رهبری، ۱۳۹۱: ۱۲۹)

از جمله مبانی حق مکتسب ایران در بهره‌مندی از رودخانه هیرمند اصل استصحاب، سزاواری دفع مفسده نسبت به جلب مصلحت، قاعده لاضرر و غیر قابل تعرض بودن حق ایجاد شده قبلی می‌باشد. از این رو، مستند به اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز قانون توزیع عادلانه آب مصوب سال ۱۳۶۱ آب‌های دریاها و آب‌های جاری در رودها و انهار طبیعی و دره‌ها و هر مسیر طبیعی دیگر اعم از سطحی و زیرزمینی و سیلاب‌ها و فاضلاب‌ها و زه‌آب‌ها و دریاچه‌ها و مرداب‌ها و برکه‌های طبیعی و چشمه‌سارها و آبهای معدنی و منابع آب‌های زیرزمینی از مشترکات بوده و در اختیار حکومت اسلامی است و طبق مصالح عامه از آن‌ها بهره‌برداری می‌شود. مسئولیت حفظ و اجازه و نظارت به بهره‌برداری از آن‌ها به دولت محول می‌شود. با

استناد به اصل فوق بخش معینی از آب رود هیرمند در چارچوب بهره‌برداری مشترک از رودهای مرزی توسط دولت بالا دست و پایین دست کرانه خارج از حاکمیت دولت افغانستان قرار داشته و این دولت باید زمینه دسترسی آسان ایران به آن را فراهم نماید. وفق اصل قانونی مذکور جزیی از سرمایه‌های دولت ایران بوده که در قلمرو دولت افغانستان جاری است نمی‌تواند با انحراف در مجرای طبیعی رود و انتقال آب به داخل قلمرو جغرافیای سرزمینی خود مانع دسترسی دولت ایران به حقایق خود از رود هیرمند شود این در حالی است که در صدر اصل ۱۴ اعلامیه ریو ضمن تأکید بر مشارکت همه شهروندان، به حق دسترسی آن‌ها به اطلاعات زیست محیطی اشاره می‌شود. این اصل مقرر می‌دارد که: ... در سطح ملی هر فرد باید کاملاً به اطلاعاتی که مقامات عمومی در مورد محیط زیست در اختیار دارند... دسترسی داشته باشد و در روند اتخاذ تصمیمات مشارکت نمایند. دولت‌ها باید با دادن اطلاعات به مردم، حساسیت و مشارکت عمومی را تسهیل و تشویق نمایند. همچنین از دولت‌ها می‌خواهد بر دسترسی مؤثر بر اقدامات اجرایی و قضایی از قبیل سیاست‌های اصلاحی و جبران خسارت اطمینان حاصل کنند. براساس اصل مذکور که رویه حقوق محیط زیست را شکل داده، بهترین رویکرد در موضوعات زیست محیطی آن است که محیط‌زیست به شهروندانی واگذار شود که در یک سیستم از آن متأثر هستند. (جمالی، عبدالمی، ۱۴۰۰: ۴۱) در این زمینه لازم است تا دولت ضمن همکاری‌های نزدیک اطلاعات لازم را با ایجاد یک مدیریت مشترک در حوزه آبرسانی بصورت شفاف در اختیار یکدیگر قرار بدهند.

## ۲-۴-۱. اصل استصحاب

نحوه بهره‌مندی از رودخانه هیرمند به موجب موافقتنامه‌های فی‌مابین و بر اساس قواعد و مقررات بین‌المللی مشخص شده است. در علم اصول در مواردی که وضعیتی که در گذشته نسبت به آن یقین وجود داشته تردید حاصل شود، به موجب اصل استصحاب وضع یقینی سابق استصحاب می‌گردد. (محمدی، ۱۳۷۵: ۳۲۲)

## ۲-۴-۲. سزاواری دفع مفسده نسبت به جلب مصلحت

اسقاط حقوق مکتسبه با وضع یا اجرای قانون جدید مفسده‌ای است که باید تا حد امکان از بروز آن جلوگیری کرد و در وضعیت‌های جدید حقوق مکتسبه را از نظر دو نداشت. بنابراین هرگونه اقدام دولت افغانستان باید با لحاظ چنین قاعده‌ای صورت گیرد که مستلزم مفسده برای ایران نباشد. (البرزی ورکی، ۱۳۹۱: ۱۴)

## ۲-۴-۳. دفع ضرر و عدم جواز ضرر به غیر

بنابر قاعده لاضرر اقدام دولت افغانستان در بهره‌مندی از رودخانه هیرمند نباید موجبات ضرر به دولت ایران در بهره‌مندی از حق مکتسب خود در بهره‌مندی از این رودخانه را فراهم آورد. این قاعده که بر مبنای قاعده اصلی «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» بنیان شده است به طور کلی ایراد ضرر به غیر را در هر حال نفی نموده است. (محمدی، ۱۳۷۷: ۱۷۰)

## نتیجه

اسناد حقوقی بین‌المللی مربوط به آب از جمله مقررات هلسینکی دلالت بر حقوق آبی و تعهدات کشورهای ذینفع دارد در ابتدا باید کشورهای استفاده‌کننده از حقوق خود بر رودخانه‌های مشترک مطلع باشند و به‌منظور حل مسائل به‌شیوه حقوقی از آن بهره‌گیرند. لکن سهم منصفانه و مساوی از آبراه‌های مشترک و وجود حق مکتسب از دیرباز برای دولت‌ها از موضوعات مهم محسوب می‌گردد. رودخانه هیرمند هم مشمول رژیم حقوقی و قانونی مثل تمام آبراه‌های بین‌المللی می‌باشد؛ امروزه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بین‌المللی بحران آب هست به‌ویژه در خاورمیانه، که ۷۰٪ اراضی کشاورزی آن نیاز به آبیاری دارند. هم‌چنین جریان شکل‌گیری مرزهای واحدهای سیاسی در آن منطقه در گذشته توسط قدرت‌های فرا منطقه‌ای معضل دیگری است به‌همین دلیل وجود معاهدات دوجانبه با بهره‌گیری از ابزارهای حقوق بین‌الملل به منظور تجدید حقوق حاکمه دولت بالادست و جریان منظم آب به نفع کشور پایین دست مشارکتی معقول و منصفانه از آب را می‌طلبد. مطابق اصل ۱۹ اعلامیه کنفرانس بین‌المللی ۱۹۹۲ ریودوژانیو و دولت‌های بالادست باید در موقع به خطر افتادن منافع ساحلی دولت‌های پائین دست آن را قبلاً و به موقع اطلاع دهند. هم‌چنین باید اطلاعات تخصصی در مورد فعالیت‌هایی که آثار سوء و جدی دارند و از محدوده مرزها فراتر می‌روند، در اختیار دیگر دولت‌ها بگذارند و با آنها در اسرع وقت و با اعتماد کامل مشورت کنند. تخصیص یک جانبه، قطع و انحراف آب در مسیر رودخانه هیرمند به سوی استان سیستان و بلوچستان موضوعی بود که توسط حاکمان اسبق افغانستانی صورت گرفت آن هم بدون مشورت منطقی و منصفانه با کشور پایین دست یعنی ایران. بر این اساس دولت افغانستان متعهد به جلوگیری از خسارات قابل پیش‌بینی به قلمرو دولت ایران بوده چرا که این اقدام خساراتی را از قبیل بیابان‌سازی و افزایش پیشروی کویر به مراتب و کشتزارها را بدنبال داشته است. اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم اعلام می‌دارد که دولت‌های بالادست در بهره‌برداری از منابع طبیعی تحت صلاحیت خویش محق هستند و وظیفه دارند تا از

لطمات زیست‌محیطی به دولت‌های پایین دست جلوگیری کنند. کمبود آب در سیستان و دگرگونی‌های اقلیمی خسارت‌های فراوانی را متوجه مردمان بومی آن نموده است و سبب پراکندگی و آوارگی آن‌ها شد.

اهمیت رودخانه هیرمند از نظر آبیاری منطقه سیستان، دلتا و اطراف رود و همچنین تغییر مسیر و انحراف آن از عواملی است که بخش مهمی از اختلافات و ناآرامی‌های منطقه را به دنبال داشته است. دشت سیستان با بیش از ۸ هزار کیلومتر مربع وسعت در شمال استان سیستان و بلوچستان که زمانی به انبار غله معروف بوده به دشتی خشک با معضل شنهای روان مبدل شده است. با جدایی افغانستان از ایران (به سال ۱۸۷۲ میلادی) و سپس تقسیم واحد جغرافیایی سیستان به دو واحد سیاسی (سیستان افغانستان و سیستان ایران) حوزه مرطوب در قلمرو افغانستان واقع و بخش خشک آن در ایران قرار گرفت. در نتیجه هرگونه بهره‌برداری در بخش علیای رود پیامدهایی در بخش سفلی خواهد داشت که در سال‌های خشک و بحرانی می‌تواند به قطع کامل جریان آب بینجامد. و بر اساس دخالت‌های دولت بالادست (افغانستان) آب هیرمند به طور کامل وارد منطقه سیستان نمی‌شود. بنابراین تغییر مسیر در آبراه تغییر در خطوط مرزی را هم بوجود می‌آورد. این امر مغایر اصل غیرقابل تعرض بودن حق مکتسب است که پیش‌نویس انستیتوی حقوق بین‌الملل در ۱۹۱۱ آن را عمل‌زبان آور می‌داند. با توجه به اشتراکات تاریخی و فرهنگی میان ایران و افغانستان در سایه روابط شایسته می‌طلبد که از طریق راهکارهای عادلانه و مرضی‌الطرفین اختلافات مرزی و آبی خود را به‌صورت یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر حل و فصل کنند. سفر حامد کرزای به تهران بمناسبت جهانی شدن نوروز (سال ۱۳۸۹) و اظهارات وی در مورد سهم ایران از آب هیرمند می‌تواند به‌عنوان یک بیانیه حقوقی برای طرف ایرانی در خصوص استفاده مشترک از آب هیرمند ایجاد حق کند. هرچند دولت افغانستان با ناملازمات داخلی و عدم ثبات سیاسی داخلی رویرو بوده و لازم است تا در چارچوب مذاکرات سیاسی و بکارگیری شیوه‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات در نظام حقوق بین‌الملل و تحت کمیسیون مشترک مدیریت آبرسانی مرزی دو دولت با یکدیگر توافق نموده تا بر اساس رکن نظارتی آن زمینه به اجرا درآمدن حقایق ایران زیر نظر این کمیسیون فراهم گردد. چنین رویه‌ای در تاریخ روابط دو دولت در این بخش البته نقش آفرینی دولت انگلستان مسبوق به سابقه هم است اما در شرایط کنونی پیشنهاد می‌شود دو دولت خود در این زمینه به طراحی چنین کمیسیونی مبادرت نمایند.



## منابع

### ۱. فارسی

#### الف (کتاب‌ها)

۱. ارنیای، گابو (۱۴۰۱). حقوق دیپلماسی آب‌های فرامرزی، بانگاهی به حکمرانی آب در اتحادیه اروپا، مترجمان: روبرای، علی، حسنی، پیمان، تقی‌خانی، آیدا، تهران، پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
۲. بهمنی قاجار، محمدعلی (۱۳۸۶). ایران و افغانستان از یگانگی تا تعیین مرزهای سیاسی، تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
۳. پورنوری، منصور (۱۳۸۳). حقوق بین‌الملل دریاها، تهران، جلد دوم، انتشارات مهدحقوق.
۴. پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی (۱۴۰۰). هیدروپلیتیک افغانستان (۱) تاریخچه سیاست گذاری آب در افغانستان، تهران، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.  
<http://arc.irib.ir/uncategorised-i1318>
۵. حسینی، سیدعلی (۱۳۷۷). هری رود مروری بر حوزه آبریز، هرات، انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان.
۶. رخشانی، محمدتقی (۱۳۸۵). مرزبندی‌های سیستم‌های سیستان در تاریخ معاصر ایران (قاجار و پهلوی)، تهران، انتشارات تفتان.
۷. روسو، شارل، (۱۳۴۷). حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، جلد ۲، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. سیستانی، محمداعظم (۱۴۰۰). سرگذشت سیستان ورود هیرمند، کابل، انتشارات ریاست اطلاعات و ارتباط عامه اکادمی علوم.
۹. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۹)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، چاپ شصت و هشتم، نشر گنج دانش.
۱۰. فرشادگهر، ناصر (۱۳۶۹). نظام حقوقی رودهای بین و اروندرود، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
۱۱. گنجی، منوچهر (۱۳۴۸). حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، جلد ۱، انتشارات بی‌نا.
۱۲. مزدارانی، هادی، (۱۳۸۲). بررسی رژیم حقوق حاکم بر رود هیرمند در پرتو نظام حقوقی حاکم بر رودهای بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

۱۳. مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۴). حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه .
۱۴. ممتاز، جمشید (۱۳۷۶). *ایران و حقوق بین‌الملل*، تهران، نشر دادگستر.
۱۵. موسوی، سید فضل‌اله (۱۳۸۹). *حقوق رودخانه‌های بین‌المللی با تأکید بر حوزه‌های اردن و لیبانی و مدیریت برنامه‌ریزی آب‌ها*، تهران، نشر دادگستر.
۱۶. محمدی، ابوالحسن، (۱۳۷۷)، قواعد فقه، تهران: انتشارات دادگستر، چاپ سوم
۱۷. محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی یا اصول فقه، (۱۳۷۷)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم

### ب) مقالات

۱۸. اکبری، نرگس، مشهدی، علی، کاظمی فروشانی، حسین (۱۳۹۹) «ابعاد حقوقی بهره برداری از هیرمند»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۶۸، صص: ۳۲۶-۲۹۱.
۱۹. امامی، منوچهر (۱۳۸۱). «رودخانه مرزی هیرمند و اثرات امنیتی» *مجله مطالعات دفاعی/استراتژیک*، شماره ۱۴ و ۱۳، صص: ۱۱۰-۷۱.
۲۰. امیرارجمند، اردشیر (۱۳۷۱). «حفاظت از محیط‌زیست و همبستگی بین‌المللی» *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۵، صص: ۴۳۶-۳۲۳.
۲۱. البرزی ورکی، مسعود، رهبری، محمد مهدی، (۱۳۹۱). قواعد و استثنائات حق مکتسبه با مطالعه تطبیقی، فصلنامه تحلیلی و آموزشی مجد، ش ۲۲-۲۱.
۲۲. بریمانی، فرامرز (۱۳۸۳). « آثار فزاینده خشکسالی در محیط حوزه‌های آبریز آندروئیک سیستان» *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره نهم و دهم، صص: ۱۹۳-۱۸۶.
۲۳. جمالی، صادق، عبدالمهدی، محسن (۱۴۰۰). موانع حقوقی حکمرانی آب در ایران؛ با نگاهی بر قانون توزیع عادلانه آب، فصلنامه تحقیقات منابع آب ایران، شماره ۳، صص: ۴۸-۳۸.
۲۴. حاتمی، مهدی، بابایی، حسن (۱۳۹۲). « تحلیل و ارزیابی طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۸ در خصوص حقوق بین‌الملل حاکم بر سفره‌های آبی زیرزمینی مشترک میان دولت‌ها»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال شانزدهم، شماره ۴۴، صص: ۳۳-۹.
۲۵. سالنگی، محقق عبدالشکور (۱۳۹۹) «وضعیت آب در آسیای مرکزی و ارتباط آن با افغانستان»، *سیمه بیز مطالعات*، بخش دوم، شماره ۲-۱، صص: ۱۰۰-۸۳.

۲۶. شهبازیگان، محمدرضا، باقری، علی و موسوی شقایب، سید مسعود (۱۳۹۵). «تحلیل سازوکارهای منجر به برداشت آب رودخانه هیرمند در افغانستان با تأکید بر پروژه دولت‌سازی در آن کشور». فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره سوم، صص: ۱۹۰-۱۶۸.
۲۷. کرمزاده، سیامک، مرادیان، بهرام (۱۳۹۶). « حقوق ایران در بهره‌برداری از رودخانه هیرمند از منظر حقوق بین‌الملل»، مطالعات حقوق انرژی، د شماره ۲، ۳۷۰-۳۳۹.
۲۸. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۷). «نگاهی به چگونگی شکل‌گیری مرزهای خاوری ایران» مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱ و ۱۲، صص: ۲۳-۴.
۲۹. نادری، مرتضی، سادات میدانی، سیدحسین (۱۳۹۹). « حقوق آبخوان‌های فرامرزی در پرتو طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵، شماره ۳، صص: ۱۰۷۳-۱۰۹۴-۱۰۹۳. DOI: 10.22059/jplsq.2018.255511.1712.1094-1073
۳۰. ندیم، جعفر (۱۳۴۴) «بهره برداری از رودهای بین‌المللی» نشریه وزارت امور خارجه، شماره ۱، صص: ۱۱۲-۱۰۴.

### ج (اسناد)

۳۱. مجموعه مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پانزدهم: جلسه دوازدهم
۳۲. مجموعه مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره نوزدهم: جلسه بیستم

### English:

#### A) Books

33. Carret son. A. H. Hayton, R.D. Olmsted. C.Y.eds (1967). *The law of international drainage basin`s CN*. Y. university school of law.
34. Castillo-Laborde, Lilian del (2010). *The Law of Transboundary Aquifers and the Berlin Rules on Water Resources (ILA): Interpretive Complementarity, International Conference "Transboundary Aquifers: Challenges and New Directions UNESCO-IAH-UNEP Conference, Paris, 6-8 December 2010*.
35. Ettehad, Elnaz (2010). *Hydropolitics in Hirmand/Helmand International River Basin, Swedish University of Agricultural Sciences Faculty of Natural Resources and Agricultural Sciences Department of Urban and Rural Development Unit of Environmental Communication, Online publication: <http://stud.epsilon.slu.se>, Uppsala*.
36. Grant, John p and Barker, J Craig (2009). *Encyclopaedic dictionary of international law*, Published by Oxford University Press, New York.
37. Malla, Katak B. (2013). *The Legal Regime of International Watercourses: Progress and Paradigms Regarding Uses and Environmental Protection*, Lap

Lambert Academic Publishing GmbH KG, Stockholm. Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=2248012>.

38. McCaffery, Stephen (2008). *Convention on the law of non-navigation use of international water courses*, United Nations Audiovisual, Library of International law, <https://legal.un.org/avl/ha/clnuiw/clnuiw.html>.
39. Smith. H.A. (1951). *The economic use of the intl, river*, London king, London.
40. Schmeier, Sussane (2013). *Governing international watercourses: river basin organizations and the sustainable governance of internationally shared rivers and lakes*, published by Routledge, New York.

#### B) Articles

41. E. A, Samoilenko (2015). "The structure of international legal regime regarding the navigational usage of international rivers", *International Law and International Organizations and development of specific branches of international public law*, No: 2, PP: 126-133. DOI: 10.7256/2226-6305.2015.2.14861.
42. Nagheby, Mohsen, Warner, Jeroen (2022). "The 150-Year Itch: Afghanistan-Iran Hydropolitics over the Helmand/ Hirmard River", *Water Alternatives* 15(3), PP: 551-573.

#### C) Reports

The International law Commission, Law of the non-navigational uses of international watercourses, Second report on the law of the non-navigational uses of international watercourses, by Mr. Stephen C. McCaffrey, Special Rapporteur, A/CN.4/399 and Add.1 and 2, 1986 vol. II(1), Extract from the Yearbook of the International Law Commission, <http://www.un.org/law/ilc/index.htm>

43. United Nations, Report of the International Law Commission, 18 April–3 June and 4 July–5 August 2022. A/77/10.

#### D) Documents

44. A/51/869. Convention on the law of non-navigation use of international water courses approved by general Assembly, fifty five session, 11/4/1997.
45. International court justice, (2022) Dispute over The status and use of the waters of The Silala, (CHILE v. BOLIVIA), 1 December 2022.
46. United Nations General Assembly, Report of the International Law Commission on the work of its seventieth session (2018) A/CN.4/724.
47. UN General Assembly (2016), Resolution, The law of transboundary aquifers, A/RES/71/150.